



اولین نشست اندیشه ورزی نقش محلات مشهد در تقویت هویت زیارتی شهر برگزار شد

تقویت هویت زیارت در گرو همکاری مردم و حاکمیت



این خطه از سرزمین ایران چه روزگاری که توس نامیده می شد و چه زمانی که شکل و نام جدید یافت، همواره هویتی پیرامون حرم امام هشتم داشته است. هرسال بر جمعیت ساکن این منطقه افزوده شد و از آن سو، زائرانش هم فراوان تر شدند و هرچه شکل گرفت، باید بر همان مینا ادامه می یافت؛ اما آنچه که امروز احساس می شود، هویت زیرسؤال رفته یا فراموش شده مشهد است. این شهر هر سال به ویژه در دهه پایانی صفر میزبان حضور زائران پیاده و سواره زیادی است که به عشق آقای خود راهی این شهر شده اند، اما سؤال اینجاست که ما به عنوان میزبان و نماینده حرم شریف، در این شهر چگونه حاضر بوده ایم؟ برخی محلات مشهد به دلیل استقبال از زائران پیاده، نقش مهم تری در حفاظت و پاسداری از هویت شهری مشهد دارند و آنچه به نظر می آید، این است که بخشی از آن ها از این مسئولیت غافل اند. جمعی از دغدغه مندان و فعالان مشهدی، اولین جلسه از سلسله نشست های اندیشه ورزی با موضوع نقش محلات مشهد در تقویت هویت زیارتی شهر (با تأکید بر ظرفیت استقبال از زائران پیاده امام هشتم) را با حضور حجت الاسلام والمسلمین محسن هاشمی یزدگری، مشاور تولیت آستان قدس رضوی و دکتر جمال یزدانی پژوهشگر حوزه فرهنگ و ارتباطات برگزار کردند. این روایت شرح این جلسه و بیان موانع پیش رو و پیشنهاد مهمانان است.

گزارش روز

روزنامه نگار
نگار جاوید

به این بافت ها چیست؟ درحالی که تشکل های حاشیه شهر می توانند این مسئله را مطرح کنند، ولی این اتفاق خیلی کم می افتد. فارغ از اتفاقاتی که توسعه شهر به سمت غرب رفته است، در وضعیت موجود تشکل های حاکمیتی آستان قدس چه کمکی می توانند بکنند؟ مثلاً شرکت به نشر چقدر همکاری می کند که خاطرات را چاپ کنیم؟

هاشمی یزدگری: برخی فعالیت های به نشر را دیدیم که اگر سابقه را مقایسه کنید، خواهید دید چقدر تفاوت دارد. کتاب های بسیاری در دهه پانزده سال گذشته چاپ شده اند و در چند سال اخیر چشم محتوایی، فکری و فرهنگی زیادی رخ داده است. بانویسندگان بسیاری هم کار کردند. در بحث چای خانه ها و دهه آخر صفر برای موبک ها جلسه برگزار کردند و این امکان فراهم شده است که از شهرهای دیگر رفتارهای این چنینی در هندسه شهرسازی یا چای خانه را اداره کنند. حتی این امکان فراهم شده است که اطعام نیازمندان داشته باشند. اما آیه ای مطرح

این ها فرصتی است برای نقش دادن به مردم و به صحنه آوردن آن ها. مثلاً می توان به مدت یک ماه جشنواره ای در روستای امام هادی^(ع) برگزار کرد، با موضوعات هنری و فرهنگی. آیا نگاه حاکمیت و مدیریت شهری پای کار است؟ تشکل هایی که در این مناطق فعال هستند، چطور؟ می دانم که مثلاً محله طرق در عرصه رسانه خیلی فعال است. این نگاه را از آن ها در رسانه ندیدم که منطقه را به عنوان یک ورودی زائر امام رضا^(ع) بدانند. دو تا حرف است، یکی نگاه حاکمیت به مجموعه ها و دوم اینکه خودشان به خودباوری برسند.

یزدانی: نقش روایی که من اشاره کردم، یک مسئله اش همین است. وقتی بدانیم چه اتفاق عظیمی دارد رخ می دهد، حساسیت ها جلب می شود. اما بخشی از این هم به مجموعه مردم برمی گردد. حاکمیت سر جای خودش، اما نقش دیگری که از محلات یاد کردیم، مطالبه است. این نقش را باید پررنگ و فعال کرد. مجموعه هایی که درگیر ماجرای زائران هستند، چه در اسکان

چه در موارد دیگر نباید محدود به بازه زمانی خدمت باقی بماند، بلکه جریان های مطالبه گری خود را فعال کنند. از نوشتن نامه سرگشاده به مسئولان حاکمیتی و مربوط تا برگزاری نشست های پاسخگویی و مطالبات از رسانه های مکتوب، ملی و محلی برای پوشش دهی و ضرب دهی به ماجرا. هنوز هم در صداوسیما قصه زائران پیاده مشهد چندان برجسته نیست. دلایلی را هم مطرح می کنند مثل اینکه در مقابل راهپیمایی اربعین، راهپیمایی دیگری برجسته نشود. درحالی که هر کدام یک امر مجزا هستند. به همین دلیل می بینید در رسانه ضرب جدی پیدا نمی کند. باید مستند ساخته شود یا پخش زنده شود. خلأ دیگر اینکه یک امر وقتی هویت می شود که واجد ارزش اجتماعی باشد. وقتی زیرساخت های حاکمیتی پای کار بیاید، هویت رامی سازد. مثلاً در قصه حرم و هویت یک جریانی داریم به نام پیرغلامان که سال هاست شکل گرفته و هویت پیدا کرده است. اما در قصه میزبانی، ما چنین جریانی نداریم که به این و مناسک جمعی تبدیل شود. مثلاً گروه هایی فعالان محلات برای هم افزایی قبل از حضور زائران پیاده. هرچقدر به صورت مناسک سازی و آیین سازی حرکت کنیم، بهتر است و الزامی هم ندارد حتماً محله باشد. فرد هم می تواند اهالی محله اش را همراه کند. هرسال می توانیم کتاب خدمت به زائران را چاپ کنیم. این قدر سوژه هست که هر محله ای می تواند برای خودش تولید کند. شاید این موارد به ذهن مسئولان و دست اندکاران نرسیده باشد یا در اداره امور روزمره اولویت ها گم شود. درحالی که مجموعه هایی که درگیر این ماجرا هستند، می توانند پیشنهاد بدهند. پیشنهاد دیگر پیوند زدن جریان زیارت به فناوری روز و با اپلیکیشن هاست. نشان دادن خانه های اسکان زائر در نرم افزارهای مسیریاب، ابتدایی ترین کار است. مجموعه های دانش بنیان هم می توانند وارد شوند. باید بتوانیم قصه میزبانی را توسعه بدهیم. نقش مطالبه گری نیز در این مسیر خیلی مهم است.

سلطانی: این را هم اضافه کنیم که فعالان حاشیه شهر می توانند تشکیلات داشته باشند با جلسات سالانه حول مسئله زیارت. در ایام انتخابات مطالبه این است که نگاه کاندیداها

هاشمی یزدگری: خداوند در آیه ۱۰ سوره روم سه مرحله انحطاط فرد و جامعه را مطرح می کند. مرحله اول آیات الهی را تکذیب می کند و سپس احکام و اعتقادات را و در نهایت همه چیز دگرگون می شود. رفتارهای ما و وضعیت فردی ما بر اجتماع اثر می گذارد. اینکه گفتیم ما در یک جنگ فرهنگی شهری خیابانی هستیم، نمونه دارد. برنامه ریزی های شهری ما نسبت به بارگاه امام رضا^(ع) در دهه های اخیر اشکالات جدی داشته است. یک نمونه اینکه حدود هجده سال پیش سند چشم اندازی نوشته شد به نام سند بیست ساله شهر مشهد. آن زمان فکر نمی کردیم بعدها در قفسه کتاب مدیران بماند. جلسات متعدد با شهردار وقت و معاونانش برگزار کردیم و دیدیم یک کلمه از جایگاه شهر مشهد به عنوان دارنده دومین مرکز حوزوی جهان تشییع وجود نداشت. مگر زیارت بدون الزامات آن شکل گرفتنی است؟ زیارت یک مسئله چندبعدی است و یکی از موارد ضروری آن حضور حوزه های علمیه اطراف حرم هستند که متأسفانه در طرح های توسعه از بین رفتند و به حاشیه شهر کشیده شدند. اینکه همه بخش های شهر توسعه پیدا کند، خوب است، اما ظرفیت اطراف حرم نباید حذف شود. بخشی از زائران حرم به دنبال جمع طلبگی می گردند، عده ای به دنبال پاسخگویی به سؤالات هستند. اما هیچ فضای معرفتی در اطراف حرم نیست و زائر وسط بازارها و هتل ها گم است. یعنی ظرفیت استقبال را از دست داده ایم. کدام بازار به استقبال زائر می رود؟ برای همین می گویم جنگ است. چه اتفاقی در اطراف حرم افتاده است؟ این طرح های زیاد، هتل ها و بازارها. کدام محله ای اطراف حرم است که به استقبال زائر بیاید؟ اکنون ترکیب های نامتجانس رامی بینیم. در حوزه برنامه ریزی شهری ببینید عمودی سازی، مترکام سازی و آپارتمان سازی چه بلایی سر محلات آورده است. جایی که زندگی می کنیم، قوطی کبریت هایی است که کمترین شکل همسایگی را دارد. بافت هایی که ایجاد شده و هندسه شهر، گام به گام در مناطق مختلف به دلیل سود و سهمیه و اقتصاد محور بودن در حال پیشروی در شهر است و مدام در حال از دست دادن ظرفیت های محلی هستیم.

سلطانی: در این راستا آستان قدس چه مسئولیتی دارد؟

هاشمی یزدگری: بحث آستان قدس در اینجا مطرح نبود. اما دو نکته را توضیح می دهم. یک بازه زمانی در گذشته حرم محصور در دیوارهای خودش بود و سیاست حاکم بر این بود که نیازی نیست به بیرون از حرم ورود کنیم، ولی در دوره های اخیر قطعاً این شکل از سیاست ها در نگاه تولید حاضر تغییر کرده و نگاه ها ناظر به پیگیری موضوعات دیگر است. در برخی جلسات بودم و پیگیری را دیدم. اکنون مسئله این است که وقتی به شهر نگاه می کنیم و پیشروی را می بینیم، حرم دارد در حاشیه شهر کشیده می شود، چون توسعه شهر به دلیل نگاه سودمحور به سمت غرب، وکیل آباد، طبقه و شاندیز است. ما باید بتواند شعاع معرفتی و امتداد خودش را داشته باشد. حرم باید نقطه کانونی و محوری خودش را حفظ کند، یعنی موقعیت هر خیابانی نسبت به حرم شکل بگیرد.

سلطانی: درباره آن پنج ضلع بیشتر بگویید. ما سه ورودی زائر پیاده داریم، طرق، پلیس راه امام هادی^(ع) و توس. عمدتاً هم مناطقی هستند که از آن ها با محوریت یاد می شود. درحالی که

یک پنج ضلعی را در نظر بگیریم. مجموعه های مردمی، دستگاه حاکمیتی، نهاد علم، نهاد رسانه و هنر همه پنج ضلعی هستند که باید با هم همکاری کنند و هیچ کدام به تنهایی نمی تواند کار را به پایان برساند. به عنوان مثال، باید نقش های مردمی را در محلات نسبت به این قصه بشناسیم. در حوزه هویت سازی محلات مشهد با محوریت زائران پیاده، نقش روایی و خدمات و مطالبه گری سه نقش محوری است که مجموعه های مردمی می توانند در این زمینه ها کار کنند. به نظرم باید وزیر ساخت همگی نقش روایی است. اکنون حرکت های مردمی زیادی داریم که متأسفانه روایت نمی شوند. اگر بناسک مجموعه های مردمی در محلات کاری نکنند و روایت نشود، نقش های دیگر هم به سرانجام نخواهد رسید. روایت ها باید هم متنی باشند هم تصویری. از مشارکت های آماده سازی زائران و پس از حضور آنان یک وجه دیگر روایت، میزبانی محله در سابقه تاریخی است. درست است که بافت سنتی به شکل عینی از میان رفته است، اما بخش هویتی که هنوز سوژه ها و آدم هایش حضور دارند، اگر پرداخته نشود، خط مقاومت ما تقویت نخواهد شد، پرداختن به افرادی که در تاریخ صدساله این شهر چه در خانه خود و چه در حرم میزبانی می کردند. یعنی روایت معاصر کافی نیست. روایت تاریخ هم لازم است. بارها تأکید کردیم که آستان قدس باید در این موضوع پاسخگو باشد و اینکه کوتاهی کرده است، زیرا یکی از سیاست های آن عملاً به جریان ضد هویتی در مشهد کمک کرده است. یک نمونه را می گویم، حرم مطهر دریایی برای روایت سوژه است. اگر در طول سال ۲۰ میلیون زائر به مشهد بیاید، ۳۰ میلیون روایت منحصر به فرد خواهیم داشت. اگر نتوانیم روایت کنونی حرم را بسازیم، امر هویت سازی زیارت ناقص است. تجربه زائر در حرم منحصر به فرد است. یکی از رسالت های مجموعه های مردمی همین است. وقتی به حجم خوبی از روایت رسیدیم، زیرساخت کارهای دیگر همچون کار هنری و سیاست گذاری های علمی فراهم می شود. بارها گفته ام نهاد علم مانند حوزه یا دانشگاه باید برود بارش را جلو مجموعه مردمی پهن کند و از آن ها یاد بگیرد. اگر این اتفاق نیفتد، عقب هستیم. اگر نهاد علم پشت کارهای محلات نباشد و صورت بندی نکند، شهر توسعه پیدا نمی کند. همه این نکته ها برای رسانه هم هست. در حوزه محلی یک سرمایه سیزده چهارده ساله به نام شهرار محله داریم که به صورت مداوم و تخصصی به وضعیت محلات مشهد پرداخته و اوضاع مناسب به شهرهای دیگر بهتر است.

سلطانی: برداشت من این است که وقتی از مقوله زیارت در مجموعه محلات سخن می گوئیم، امام رضا^(ع) را در یک مکان جغرافیایی محدود می کنیم. بالا شهر و پایین شهر داریم. ما نتوانستیم پیوست اجتماعی حرم داشته باشیم. نقش مردم چیست. مردم مشهد آن قدرها احساس هویتی ندارند. نقش من به عنوان یک مشهدی چیست؟ شهر را چطور می توانیم امام رضایی کنیم؟ اگر این روند طی می شد، بسیاری از معضلات کاسته می شد. ما از ظرفیت وجود امام رضا^(ع) برای هویت دادن به محلاتمان استفاده نکردیم. اول باید روایت باشد. توجهات جلب شود، بعد سیاست گذاری شود.

سلطانی: جلسه را در مسجد جواد لاکمه^(ع) برگزار کردیم که هر سال سابقه خوبی در استقبال از زائران پیاده دارد. هر سال هزاران نفر از روستاها و شهرستان های اطراف از این سو وارد شهر می شوند و اهالی این محله از آنان میزبانی می کنند. در این میان، اتفاقات خوب خودجوش و مردمی بسیاری هم می افتد. یزدانی: مهم ترین ویژگی این محلات خدمت به زائران است که منشأ خیر و برکت برای توسعه شهر مشهد می شوند. البته در چند سال گذشته اتفاقاتی در این حوزه رخ داده است و برخی ارگان ها به این سمت حرکت کرده اند، اما باید نقش محلات بیشتر شود.

هاشمی یزدگری: احساس می شود ما بعد از انقلاب اسلامی در این سال ها هنوز نتوانسته ایم به هویت زیارتی شهرهای خودمان علی رغم وجود آداب و رسوم و شرایط، در ساختارهای رسمی کشور و اسناد ملی و بالادستی تغییری ایجاد کنیم. در موضوع زیارت دستگاه های محاسباتی، مدیریتی و تصمیم ساز ما دچار اختلافات جدی هستند. ما محلات و ظرفیت هایی داریم که به راحتی نمی توان از کنار آن ها عبور کرد و باید تقویت شوند.

درحالی که بسیاری از آن ها هنوز به کار زیارت نیامده است. همین چند وقت پیش از اداره تهران شمال با حضور رئیس جمهور افتتاح شد که بانی ساخت آن بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی است. درحالی که ما در جاده ها و مسیرهای زیارتی کشور مانند شهر مشهد، حرم حضرت معصومه^(ع) یا شاه چراغ دچار مشکلات جدی هستیم. اتفاقاً بیش از ۹۰ درصد زائران هم از مسیر جاده ای به این شهرها سفر می کنند. سند هفتم توسعه را نوشتند، درحالی که برنامه زیارت را از آن حذف کرده بودند. در عرصه مدیریت شهر مشهد هم سرریز همین غلط های نظام برنامه ریزی در کشور وجود دارد. من احساس می کنم ما اکنون در یک جنگ شهری به سر می بریم. جریان توسعه از یک سو حمله کرده و در حال تاراج شهر است و برخی محلات همچنان ایستاده اند و مقاومت می کنند. ببینید چه اتفاقی بر سر محلات اطراف حرم که ظرفیت های تاریخی شهر بودند، آورده اند، همه تبدیل شده اند به بازار. اتفاقاتی در حال رخ دادن است که محلات ما را به غارت می برد.

سلطانی: می دانیم که نگاه مدیریت شهری اشتباه است. اکنون سؤال این است که نقش محلات چیست و چه هدفی را باید دنبال کند؟ برخی مناطق با زائران ارتباط دارند. آیا می توانیم نقش محلات را تعیین و اجرا کنیم؟ آیا درگیر کردن محلات در موضوع زیارت کمکی به حل مشکلات می کند؟

یزدانی: محلات مشهد تفاوت هایی دارد که باید به آن توجه کنید. یک طبقه بندی ساده درباره وضعیت محله نسبت به زائر و جریان امر زیارت به این شکل است. دسته اول محلاتی اند که ناگزیر در مسیر زائران پیاده و ورودی شهر و مسیر حرم هستند. دسته دوم محلاتی اند که هویت زنده محلی دارند، اما غیر مستقیم با زائران در ارتباط هستند و دسته آخر محلاتی اند که هیچ ارتباطی با این جریان ندارند و در مسیر زائران هم قرار نگرفته اند. هر کدام از این ها تدبیر خاصی نیاز دارند. اگر به دنبال تربیت هویت زیارتی شهر هستیم، باید تعامل